



راه خروج از غربزدگی از درون غرب است

رضا داوری اردکانی بدون شک مهم‌ترین فیلسوف معاصر ما است. درباره اهمیت او تاکنون صحبت‌های فراوانی انجام و حتی آثاری نیز در این باره نوشته شده است. اما آن چه که او را از بخش مهمی از هم‌کیشانش جدا می‌کند، نگاه ویژه او به فلسفه است. ریاست فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی در حالی که 84 سال از عمر خود را گذرانده اکنون نه تنها به فلسفه توجه ویژه‌ای دارد که آن را در ساحت‌های دیگر زندگی و جامعه نیز بررسی و آن را تبیین می‌کند. این فیلسوف معاصر نشان داده که بحث فلسفه را می‌توان از حوزه مباحث مربوط به علوم انسانی فراتر برد و کارزار فرهنگ، هنر، ورزش و... نیز راه داد. بحث‌های او پیرامون مباحثی چون فوتبال و چگونگی پیوند آن با فلسفه یا نقادی‌هایش بر برخی نمایشنامه‌ها نشانگر تفاوت‌های رویکرد داوری اردکانی به مباحث فلسفی است.

بعد از ظهر سه شنبه 5 اردیبهشت و همزمان با عید مبعث، رضا داوری اردکانی با حضور در کاخ جشنواره جهانی فیلم فجر در مراسم رونمایی از کتاب «غربی‌زدایی مطالعات فیلم» شرکت کرد. کتابی مشتمل بر ترجمه مقدمه، چهار مقاله، و سه گفتگوی منتخب از کتاب «FILM WESTERNIZING-DE STUDIES» بازار وارد 2012 سال در چارترل انتشارات توسط و هیگبی ویل و با تیم سائر دبیری با که کتاب شده است. کتابی که به کوشش سید عماد حسینی و توسط گروهی از مترجمان - سید محمد آوینی، مجید اخگر، شهاب اسفندیاری، فرزاد امین‌صالحی، رحیم قاسمیان و احسان لطفی - و منتشر شده است. به گفته سید عماد حسینی موضع کلیدی این کتاب «رابطه میان غرب و غیرغرب» است. حسینی درباره این رابطه می‌گوید: «این رابطه، رابطه‌ای دستخوش تغییر بوده است. برخی معتقد بودند سینما به عنوان مولود غرب، نمی‌تواند جوابگوی فرهنگ‌های غیرغربی باشد. اما تاریخ سینما نشان داد این برداشت نادرستی است. تا پیش از دهه ۵۰، غربی‌ها سینما را با رویکرد غربی تحلیل می‌کردند؛ اما از این زمان به بعد، تفاوت‌ها در سینما باعث شد در غرب هم به تحلیل‌های غیرغربی توجه کنند و رویکردهای تازه‌ای ارائه شود که اروپا-محور نیست.»

در نشست رونمایی از این کتاب علاوه بر داوری اردکانی، انیس دوپکتور استاد و پژوهشگر از دانشگاه پاریس و دکتر نسیم پلک شیراز از دانشگاه ادینبرو نیز حضور داشتند و به بیان نکاتی درباره این کتاب

پرداختند. این کتاب در بخش پایانی این مراسم، با حضور رضا داوری اردکانی، رضا میرکریمی دبیر جشنواره جهانی فیلم فجر و شهاب اسفندیاری رونمایی شد.

رضا داوری اردکانی در این نشست که پایگاه خبری سی و پنجمین جشنواره جهانی فیلم فجر آن را منتشر کرده با اشاره به ارتباط فلسفه و هنر و از عدم نزدیکی آنان به یکدیگر گفت: «با اینکه فلسفه و هنر در ارتباط با یکدیگرند اما به علت گوشه‌گیری یا کم‌ذوقی، ارتباط زیادی با هنرمندان نداشته‌ام و بیشتر از آثار آن‌ها استفاده کرده‌ام. فلسفه و هنر چندان به هم نزدیک نیستند و چون دو زبان دارند، خیلی باهم انس نمی‌گیرند. اما به هر حال وقتی صحبت از «هنر چیست؟» می‌شود، قطعاً یک فیلسوف این سوال را پرسیده و به دنبال جوابی برای آن بوده است.»

این فیلسوف معاصر در ادامه بحث خود به واکاوی زبان سخن گفتن هنرمندان و فیلسوفان پرداخت: «هنرمندان هم با فیلسوف‌ها همدلی می‌کنند، هر دو به سخن یکدیگر گوش می‌کنند، روی دو قله با زبان‌های متفاوت اما به موازات یکدیگر حضور دارند. هنرمند و شاعر زبان مردمی و سبلی دارند؛ ساده حرف می‌زنند، اما همه نمی‌توانند آنقدر ساده باشند. وقتی سعدی می‌خوانید، آن را درک می‌کنید اما همه نمی‌توانند اینگونه سخن بگویند. سعدی ساده حرف می‌زند، اما تکرارشدنی نیست. هنرمند دوست مردم است و چراغ شب زندگی مردم را برمی‌افروزد. هنرمند و فیلسوف با یکدیگر در مسیر رستگاری جامعه تلاش می‌کنند.»

اما مهم‌ترین بحث رئیس فرهنگستان علوم در این مراسم گفته‌های او درباره غرب و «غربی‌زدایی» بود: «غربی‌زدایی موضوعی مشکل است؛ زیرا شناخت غرب بسیار مشکل است. من سال‌هاست در باب «غرب» و «غربی» فکر می‌کنم و با این‌حال نمی‌توانم ادعا کنم که درک کاملاً روشنی از «غرب» و «غربی» دارم. غرب را روی نقشه جغرافی می‌توانیم دقیق پیدا کنیم و می‌توانیم بگوییم که آمریکا و اروپا غرب، و ژاپن و چین در شرق هستند. غرب جغرافیایی معلوم است کجاست. اما وقتی از غربی‌زدایی حرف می‌زنیم، مگر می‌شود به سادگی غرب را از غیرغرب جدا کرد؟»

داوری اردکانی مانند بخش عمده‌ای از سخنرانی‌های خود سوال پر اهمیت «غرب چیست؟» را مطرح کرد که شاید پاسخ به آن دغدغه بسیاری از فیلسوفان بوده است: «اولین بار که مسئله غرب مطرح شده، در «تراژدی پارسیان» یونانی بوده است. تقابل تاریخی که نویسنده یونانی به آن اشاره می‌کند، تقابل فرهنگ یونانی و فرهنگ ایرانی است که البته بیشتر به صورت تقابل فرهنگ عقلی و فرهنگ دینی جلوه گر شده است. البته به فرهنگ غیر و بیگانه جسارت نمی‌کند. ولی تفکیک می‌کند.»

او در ادامه بحث خود به مفهوم غرب زدگی پرداخت و گفت: «مفهوم غرب زدگی هنوز جای بحث و تأمل زیادی دارد و به دلایلی اجتماعی متأسفانه زود از آن گذشتند. به گفته یک شاعر «غرب؛ شب مهتابی تاریخ است، به این معنی که خورشید را نمی‌بینید اما نور خورشید در ماه منعکس می‌شود و می‌تابد.» حالا غرب‌زدگی منفعل آن است که به عکس ماه در حوض آب خیره باشیم. اما باید دنبال راه خروج از غرب‌زدگی و اروپا-محوری بود و راه خروج از درون غرب است. باید طول و عرض غرب را بپیماییم تا

بتوانیم راه خروج را پیدا کنیم و از آن خارج شویم.»

بخش پایانی صحبت های فیلسوف معاصر به گرامی داشت عباس کیارستمی هنرمند فقید اختصاص داشت. حرف های داوری اردکانی درباره کیارستمی را می توان مثالی برای راه حل او پیرامون «راه خروج» دانست: «آقای کیارستمی بی آنکه جنگ و ناسازگاری داشته باشد، به دنبال راه خروج بود و این که در جستجوی راه «خانه دوست» بود و سراغ آن را می گرفت شاید نشان همین معنا باشد.»